

آیا زوج موفق هستید؟



یکی از جذاب‌ترین و شیرین‌ترین نعمت‌های خداوند، ازدواج است که هر دختر و پسری بعد از بلوغ، در مسیر آن قرار می‌گیرد. انتخاب همسر مناسب، مهم‌ترین حادثه‌ی زندگی هر کسی است که با شور و شوق و شادی فراوان صورت می‌گیرد. موفقیت در زندگی زناشویی و داشتن زندگی مشترک پرتفاهم و مطبوع، در واقع یک امر تصادفی نیست. آگاهی از این‌که خود و همسرمان چه نیازهایی داریم... چگونه می‌توان این نیازها را برطرف کرد... دانستن تفاوت‌های میان خود و همسرمان... داشتن انگیزه‌ی قوی برای ساختن زندگی مشترک خوب... تلاش در جهت رفع موانع... و داشتن الگوی مناسب، از نکته‌های اساسی هستند که هر زن و مردی لازم است به آن‌ها توجه نماید.

اگر شما از زندگی مشترک‌تان راضی بوده و احساس آرامش، شادابی و خوشبختی می‌کنید و از شروع ازدواج‌تان، دست‌کم ۵ سال گذشته است، می‌توانید به پرسش‌های زیر پاسخ داده و آن را به دفتر مجله ارسال نمایید تا با نام خودتان یا با نام مستعار چاپ شود.

باعث خوشحالی است که تجربه‌های ارزنده‌ی شما مورد استفاده‌ی دیگران قرار گیرد. الگو قرار دادن کسانی که زندگی مشترک شاد، پرتفاهم و راحتی دارند، می‌تواند به ساختن زندگی زناشویی خوب و شایسته کمک فراوانی کند چراکه شناخت اندیشه‌ها، احساس‌ها و رفتار افراد موفق و سرمشق قرار دادن عملکرد آنان، ما را به نتیجه‌های مثبت و خوبی می‌رساند.

سردبیر

در این شماره، «فروغ و شاهرخ» به‌عنوان الگوی یک زوج خوشبخت و موفق در جامعه، به سؤال‌های ما پاسخ می‌دهند:

با تشکر از مدیرمسئول محترم این ماهنامه جناب آقای «دکتر فریور» که ما را جزو لیست زوج‌های موفق در نظر گرفته و خواستار جواب ما به این سؤال و سؤال‌های زیرمجموعه‌ی آن شدند و با تشکر از شما و کلیه‌ی همکاران این ماهنامه‌ی طلایی.

من و همسرم «شاهرخ» از سال ۱۳۷۲ یعنی ۱۵ سال است که همسفر هم بوده‌ایم.

۱- دو نفر زمانی‌که تصمیم به ازدواج می‌گیرند، با دو طرز فکر متفاوت، دو سطح فرهنگ متفاوت و با دو بینش متفاوت با هم روبه‌رو می‌شوند. شما با این وضع چگونه کنار آمدید؟

فروغ: ازدواج ما، یک ازدواج فامیلی است و به همین دلیل به‌نظر می‌آید با توجه به شناختی که من و همسرم از کودکی از هم داشته‌ایم و شناخت پدر و مادر، فامیل و... نمی‌بایست مشکل چندانی با هم داشته باشیم، به‌خصوص که شرح زندگی ما با قصه‌ی عشق بود و لرزیدن و ویرانی قلب‌ها و یکی شدن آن‌ها... با شوراانگیزترین ماجراها...

ولی همان‌گونه که فرزندان یک خانواده که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند هم دارای نقطه‌نظرهای خاص، شخصیت و عقیده‌های ویژه‌ای هستند، ما نیز تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص خودمان را داشتیم که در زیر یک سقف، ملموس‌تر شدند. بعد از ازدواج و برخورد با مشکل‌های زندگی، آموختیم که خارج از دنیای آشنای قلب‌های ما، فراز و فرودهای زندگی و هزاران بهانه‌ی کوچک، روزمره‌گی‌ها و عادت کردن‌ها که گاه ما را هم‌جهت با خود می‌کردند، وجود دارد پس تصمیم گرفتیم بهتر از قبل و قوی‌تر به مبارزه ادامه دهیم. درضمن، مشاوره، نصیحت‌ها و توصیه‌های نزدیکان و دوستان هم کمک‌های بزرگی بودند.

به برندگان مسابقه‌ی زوج موفق، به قید قرعه، یک سکه‌ی طلا داده خواهد شد

۲- با توجه به این‌که هر شخصی دارای هویت و ویژگی‌های خاصی است، فکر می‌کنید شما دارای چه ویژگی و شخصیتی هستید؟

فروغ: از نظر ویژگی‌های شخصیتی، به نظر من، اعلام آن از دیدگاه فرد مقابل، شایسته‌تر است. به همین دلیل، من در مورد همسرم و همسرم در مورد من، برای‌تان خواهیم گفت. در خلاصه‌ی کلام، همسرم، تیمساری است مرتب و با دیسپلین که قلبی طلایی دارد و دریایی است از احساس با موج‌هایی خاموش و بی‌صدا، حتی در طوفانی‌ترین شرایط زندگی...
شاهرخ: فروغ، زنی ست دل‌پاک و خوش‌قلب و بی‌اندازه مهربان

۳- هر کسی به هنگام انتخاب همسر، دنبال هدف‌های خاصی است، شما در انتخاب همسرتان، دنبال چه ویژگی‌هایی بوده‌اید؟

فروغ: به دنبال عشق، لرزیدن و تپیدن مداوم قلبم، در آرزوی احترام و داشتن امنیت در کنار مردی که مأمّن من باشد و پدری مهربان برای فرزندانم باشد و این‌که من هر آن‌چه را که در توان دارم برای احساس خوشبختی‌اش انجام دهم.
شاهرخ: همراهی در زندگی‌ام... در همه‌ی مراحل...

۴- در صورت بروز اختلاف‌نظر و سلیقه، به‌طور معمول چه عکس‌العملی نشان می‌دهید؟

فروغ: سکوت، در خود فرو رفتن، منتظر گذشت زمان بودن و در اولین فرصت مناسب، گفت‌وگو در مورد موضوع اتفاق افتاده...
شاهرخ: سکوت و صبر

۵- هنگامی که عصبانی هستید و همسرتان برخلاف نظر شما عملی را انجام دهد، چه واکنشی از خود نشان می‌دهید؟

فروغ: در فرصتی مناسب، پس از این‌که آرام گرفتیم، از نگاه او و از جهت‌های دیگری به موضوع نگاه می‌کنم و حقیقت موضوع و علت رفتار او را از زاویه‌ی دیگری می‌بینم (از زاویه‌ی نگاه او) و در صورتی که حق با او باشد، عذرخواهی کرده و در صورتی که من محق باشم، در فرصت مناسبی توضیح می‌دهم.
شاهرخ: سعی می‌کنم آرامش خود را حفظ کنم و بعد از فروکش کردن عصبانیت، اصل ماجرا را مورد بررسی دوباره قرار می‌دهم.

۶- گروهی معتقدند: «برای این‌که خوشبخت باشی، لازم است همسرت را خوشبخت کنی» نظر شما در این مورد چیست؟

فروغ و شاهرخ: در زندگی مشترک، طرف مقابل برای خوشبختی وجود ندارد، چون هر دو یک روح‌اند در دو جسم که پیمان می‌بندند در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، در سختی‌ها و راحتی‌ها و در بدبختی‌ها و خوشبختی‌ها در کنار هم باشند. حتی خوشبختی نیز اشتراکی است... اگر درک کنیم، همین سلامتی به‌ظاهر ساده، خوشبختی است. این امکان تنفس صبحگاهی در هوای پاک یک پارک، این قدرت جوانی که بتوانی بدوی، بتوانی به چشم‌های عزیزت نگر بسته و به‌سادگی بگویی: «دوستت دارم»، کودکانی آسیب‌دیده را ببینی و بدانی که آن قادر مطلق و آن انتهای دنیا، به تو فرزندی سالم که نیاز به حمایت دارد، بخشیده است. این‌ها همه خوشبختی‌اند. این‌که هر صبح در کلبه‌ی کوچکت، کسی را داشته باشی که انگیزه‌ی تو برای زیستن باشد... آیا خوشبختی نیست؟
آیا در میان درک این همه خوشبختی مشترک، لزومی به درک خوشبختی انفرادی هست؟

۷- در این دنیای خاکی، هر کسی خود را در برخی زمینه‌ها موفق می‌داند؛ گروهی موفقیت را در کسب پول، عده‌ای در شغل و موقعیت اجتماعی، گروهی در هنر، ورزش و... به‌طور کلی هرکس موفقیت را در زمینه‌ای می‌بیند. حال که شما خود را زوجی موفق و خوشبخت می‌دانید، دلیل‌های موفقیت خود را در زندگی زناشویی بیان کنید.

فروغ و شاهرخ: مشکل بسیاری از ما انسان‌ها، این است که خوشبختی را در دوردست‌ها جست‌وجو می‌کنیم. در طمع‌ورزی‌ها و آرزوهای بزرگ، در صورتی که ما در زندگی مشترکمان آموختیم خوشبختی در نزدیک‌ترین، کوچک‌ترین و قابل‌دسترس‌ترین اتفاق‌های زندگی و کودکانه‌ترین چیزها نهفته است... ما خوشبختی را در ساده‌ترین چیزها دیدیم و تجربه کردیم...
در این‌که سفره‌ی کوچکی برای گشودن و لقمه‌نانی برای جای دادن در آن داریم و گاهی در حد توان، لقمه‌نانی برای سپردن به آنان که نه سفره‌ای دارند و نه لقمه‌نانی و این‌که در مقابل حمله‌ی اتفاق‌های زندگی، دست‌های یکدیگر را رها نکردیم...
در روزهای تلخ بسیاری که ۹ روز بعد از زایمان تنها فرزندمان «یاشار»، دانستیم که فرشته‌مان مبتلا به مننژیت مغزی است و ۲۱ روز شکنجه‌ی روحی که فرزندی آسیب‌دیده خواهیم داشت...

